

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره پانزدهم ، شماره پنجاه و ششم ، تابستان ۱۴۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

صفحات: ۱۴۰-۱۲۱

تحلیل اندیشه‌ی تشیع و تسنن در مدل ، عملکرد ، ساختار و تشکیل نظام اسلامی

نویسندگان:

محسن جمشیدی^۱*

چکیده

شیوه‌ی حکمرانی مطلوب برای رسیدن به حکومت متعالی اسلامی (نظام امامت - امت) رویکردی است که با مؤلفه‌هایی مانند قانون مندی، مشارکت، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف میشود. برای ارزیابی حکمرانی اسلامی خوب باید به تحلیل روابط بین آنچه که انجام می‌دهیم (فعالیتهای، تصمیمات و تمهیدات) و آنچه که می‌خواهیم به دست آوریم (اهداف و ارزشها) پردازیم. در واقع حکمرانی خوب مستلزم یافتن ابزارهای مرتبط و متناسب با ارزشهاست. بنظر می‌رسد که هدف غایی (نهایی) هر دو اندیشه‌ی سیاسی (تشیع ، تسنن) مشترک بوده (رسیدن به حکومت متعالی اسلامی). اما در مدل، عملکرد و ساختار (شیوه‌ی حکمرانی) تمایز دارند. پژوهش فوق از نوع بنیادی با روش کیفی - تفسیری و با رویکرد توصیفی - تحلیلی و به شیوه‌ی تطبیقی - مقایسه‌ای تدوین شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، وحدت مهمترین منبع نظام سازی (اسلامی) و قدرت جهان اسلام است. ترسیم فضای مطالعاتی نو، رویکرد اثباتی به این منبع، آثار و پیامدهای سترگی برای انتقال از وضع موجود (دولت - ملت) به وضع مطلوب (امامت - امت) برای حکومت مطلوب و متعالی اسلامی دارد. هدف از این پژوهش واکاوی و تحلیل رسیدن به حکومت مطلوب و متعالی اسلامی (نظام امامت - امت) برای امت واحد اسلامی می‌باشد.

کلید واژه ها : امامت ، خلافت ، حکمرانی مطلوب ، حکومت متعالی اسلامی ، نظام امامت - امت .

۱. مقدمه

اگر بخواهیم اندیشه‌ی دینی - سیاسی تشیع و تسنن را تحلیل و واکاوی نماییم، بی‌درنگ بایستی اصولاً به دو مسئله‌ی امامت و خلافت بپردازیم. امامت موضوع بزرگ‌ترین اختلاف در امت اسلامی بوده که در هیچ مسئله‌ای در تاریخ اسلام تا این اندازه زمینه منازعات و درگیری‌های کلامی و فکری را پدید نیاورده است. اصلی‌ترین مسئله در امامت و جانشینی پیامبر(ص) پذیرش انتصابی بودن امام از جانب خدا(نظریه امامت منصوص) یا واگذاری مسؤولیت تعیین امام به مردم در مقابل نصب الهی و اعم از انتخاب آزاد و بیعت عمومی، اعمال نظر اهل حل و عقد، انتخاب شورایی، وصیت امام قبلی و یا قیام به سیف بوده است. خاندان پیامبر(ص) و پیروانشان قرن‌ها درصدد تبیین، تبلیغ و توسعه باور به نظریه اول بودند که بار کلامی عمیق‌تری از امارت به معنای رایج داشته است(فرهمند پور، ۱۳۸۷: ۱۷۸). اگرچه بایستی پذیرفت که واژه‌ی حکمرانی جدید بوده و سابقه آن به مهر و موم‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی بازمی‌گردد، اما مفهوم حکمرانی جدید نیست و قدمتی به اندازه تمدن بشری دارد. این اصطلاح به معنای هدایت کردن و راهنمایی کردن و یا چیزها را در کنار هم نگاه‌داشتن است. حکمرانی در فرهنگ آکسفورد نیز به معنای فعالیت مدیریت یک کشور یا کنترل یک شرکت یا سازمان آمده است؛ روشی که به‌وسیله آن یک کشور اداره می‌شود یا یک شرکت و یا مؤسسه کنترل(نظارت) می‌گردد. همچنین حکمران بالضروره نیز یعنی کسی که مطاعت مشروع دارد، نه کسی که به‌زور خود را تحمیل کرده است، آن کسی که مطاعت مشروع دارد، به دو گونه ممکن است: یکی به نحو ولایت و دیگر به نحو وکالت. آنچه در فقه مطرح است به‌عنوان ولایت حاکم مطرح است (زارعی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱۲). حکمرانی و حکمرانی اسلامی نیز واژه‌های جدیدی هستند که در توسعه مدیریت و نهادهای مالی موردتوجه قرار گرفته‌اند. مؤلفه‌هایی نظیر مسئولیت‌پذیری، قانونمندی، شفافیت، اثربخشی و کارایی از ارکان حکمرانی اسلامی می‌توانند در نظر گرفته شوند. حکمرانی اسلامی از نظر برخی متخصصین شامل دادگستری، حفظ قانون، دفاع از جامعه، چشم‌پوشی از جاه‌طلبی، عدالت و احسان هست که توجه به این موارد در نهادهای مالی سبب برقراری حکمرانی اسلامی می‌شود(ثابت و دیگران، ۱۴۰۱: ۶۶).

۲. بیان مسئله

در اندیشه‌ی سیاسی - اسلامی همه ارزش‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که در راستای اهداف نظام دینی کمال نهایی انسان یعنی تقرب الی الله تأثیرگذار باشند. بسیاری از تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان جهان اسلام بر این باورند که متغیرهای متعدد ساختاری و رفتاری همواره مانع از شکل‌گیری همگرایی پویا در جهان اسلام شده و سخن از همگرایی کشورهای اسلامی و

به‌طریق اولی و تحت یک نظام درآوردن آنان، سخن از آرزوهاست. راه‌حل‌های پیشنهادشده نیز کلی‌گویی و غیرعلمی است. در یک بررسی اجمالی شاید بتوان گفت در طرح‌هایی که تاکنون در مورد جهان اسلام ارائه‌شده است، میان آرزو و هدف تفکیکی قائل نشده است. آرزو به معنای آمال و خواست یک جامعه است، درحالی‌که اهداف چیزهایی است که جنب عملیاتی یافته و فرد و جامعه برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی و اقدام می‌کنند. فلذا مسئله جانشینی پیامبر(ص) از نخستین مسائلی بود که رویکردهای مختلف به آن باعث صف‌آرایی مسلمانان (تشیع، تسنن) در مقابل هم شد و در تاریخ اسلام ادامه یافت و منشأ بروز اختلافات بعدی گردید. به‌علاوه اختلاط مسلمانان با سایر ملل و اندیشه‌های رایج آن زمان، بستر دیگری برای تبادل آرا و شکل‌گیری سؤالات و گفتگوهای نظری فراهم آورد. حال با ارائه‌ی توضیحات مختصری که دادیم در پژوهش فوق به دنبال تحلیل و واکاوی این مسئله خواهیم بود که، چه شیوه‌ای از حکمرانی به حکومت مطلوب اسلامی برای امت واحده‌ی اسلامی منجر خواهد شد.

سؤال: هدف نهایی و روش و عملکرد دو اندیشه‌ی سیاسی تشیع و تسنن برای حکمرانی مطلوب در نظام اسلامی چگونه است؟

۱.۲. فرضیه

به نظر می‌رسد که هدف غایی (نهایی) هر دو اندیشه‌ی سیاسی (تشیع، تسنن) مشترک بوده است، (حکومت متعالی اسلامی). اما در مدل، عملکرد، ساختار، (شیوه‌ی حکمرانی) تمایز دارند. اندیشه‌ی مذهبی تسنن از راه خلافت (موارد چهارگانه) می‌خواهد حکومت مطلوب و متعالی اسلامی را پایه‌ریزی نماید. اما اندیشه‌ی مذهبی تشیع از راه امامت (ولایت-ولایت‌فقیه) حکومت مطلوب و متعالی اسلامی را مدنظر دارد.

۳. روش پژوهش

پژوهش فوق از نوع بنیادی با روش کیفی - تفسیری و با رویکرد توصیفی - تحلیلی و به شیوه‌ی تطبیقی - مقایسه‌ای تدوین و تحلیل شده است. در همین راستا به تحلیل کیفی محتوای مطالعات اولیه پرداخته‌شده و یافته‌ها و نتایج مطالعات دیگر را تحلیل و جمع‌بندی کرده است تا دانش موجود را ارتقا و دیدگاه جامع و گسترده‌ای را نسبت به موضوع پژوهش فراهم آورد. گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، و ابزار آن فیش‌برداری و استفاده از رایانه جهت ثبت و تدوین می‌باشد.

۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

مباحث و موضوعات مطرح در حوزه معرفت‌شناسی دینی و اصول عقاید به صورت بسیط و کلی از زمان ظهور اسلام مطرح بوده است. اما حضور روشنگر پیامبر(ص) از یکسو و بساطت زندگی و طبعاً سادگی فهم عرب آن روزگار از سوی دیگر، مانع شکل‌گیری سؤالات جدی در این زمینه و مباحثات و گفتگوهای مرتبط با این موضوعات می‌شد. لذا رسیدن به حکومت مطلوب اسلامی برای امت واحده و واکاوی و پژوهش در این زمینه اهمیت پژوهش فوق را نشان می‌دهد.

۵. ادبیات پژوهش

در ارتباط با موضوع موردنظر نگارنده به صورت مستقیم منبعی یافت نشد. در ادامه مطب چنداثر را که با عنوان موضوع سنخیت بیشتری دارند به صورت اختصار بررسی می‌نماییم :

جدول ۱- پیشینه پژوهش

مهم‌ترین یافته‌های پژوهش	اهداف پژوهش	نویسندگان - روش پژوهش
چگونگی تأثیر اصل امامت در کلام شیعه از راهی غیر از توسعه قدرت سیاسی و نظامی بر مناسبات اجتماعی و معادلات سیاسی آن روزگار را که به شکل‌گیری مدل جدیدی از اقتدار انجامید و در نتیجه آن، ائمه به جدی‌ترین خطر برای حاکمیت دستگاه‌های سیاسی معاصر خود تبدیل شدند.	واکاوی تأثیر اصل امامت بر مناسبات اجتماعی	فرهمنند پور (۱۳۸۷) روش کیفی با رویکرد توصیفی
رفتار فاضله به‌عنوان پدیده محوری و در تعامل با عوامل دیگر موجب حکمرانی کریمه به‌عنوان الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه است. شیوه تعامل این عوامل در مدل نهایی تحقیق نشان داده شده است.	ارائه الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه، به‌عنوان گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انجام شده است.	منتظری ، بهمنی و فتحی زاده (۱۳۹۷) روش کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی

<p>مبانی دولت اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای به طور کلی به دو دسته تصویری و تصدیقی قابل تقسیم است. در این میان، مبانی تصویری ناظر به تعریف لغوی و اصطلاحی مبانی، الگو، اسلامی، ایرانی، پیشرفت و تلقی از ماهیت دولت اسلامی است.</p>	<p>بررسی مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از دیدگاه امام خامنه‌ای.</p>	<p>بزمی حاجی خواجه لو و طاهری (۱۴۰۰)</p>
<p>در صورت اجرای حکمرانی متعالی با مختصات مشخص و معین در هر کشور اسلامی، ارتقای اقتدار ملی آن، حکمرانی در دو مقیاس فراملی و فروملی پدیده‌های قطعی در این فرایند خواهد بود.</p>	<p>در پی کشف حکمرانی متعالی و کشف مؤلفه‌های آن به منظور ارتقای اقتدار ملی در حکمرانی‌های اسلامی است.</p>	<p>زارعی و احمدی و عابدی درچه (۱۴۰۰) روش کیفی - ترکیبی با رویکرد توصیفی - تحلیلی .</p>
<p>چالشها عبارتند از: اختلاف در امامت ساینبری، تعارض در اشکال حکومت ایده آل شیعه و اهل سنت، ناسازگاری نظام امامت - امت ساینبری با نظام فعلی دولت - ملت در کشورهای اسلامی، حکمرانی فضای مجازی و گمنامی کاربران آن. رفع این چالشهای نظری و عملی، فرصتهای ارزشمندی در اختیار امت اسلامی قرار می‌دهد که شکوفایی فقه تقرب، فرصتهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از شاخص‌ترین آنهاست.</p>	<p>بررسی چالش‌ها و فرصت‌های فضای مجازی در نظام امت - امامت</p>	<p>طباطبایی و حشمتی (۱۴۰۱) کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی.</p>

با نگاهی به آثار منتشر شده در این زمینه در می‌آییم که بیشتر این آثار یکی از جنبه‌ها و متغیرهای موردنظر را تحلیل و واکاوی نموده‌اند. بیشتر آثار بر تحلیل مناسبات فرهنگی و اجتماعی و اندیشه‌ی تشیع پرداخته شده است. اما در پژوهش حاضر با نگاهی بدیع و نوآورانه علاوه بر تحلیل و تبیین هر دو اندیشه‌ی اسلامی تشیع و تسنن، نگاه و تحلیل این دو اندیشه را در مورد حکومت متعالی و مطلوب اسلامی با استفاده از چارچوب نظری قدرت از نگاه پارسونز تحلیل و بررسی می‌نماییم.

۶. مبانی مفهومی

۱.۶. دین

اکثر متفکران و نظریه‌پردازان اسلامی بر این باور هستند که دین در همه زمینه‌ها از قبیل خداشناسی، معاد، نبوت، اخلاق و حقوق، به صورت حداکثری عمل کرده است و اسلام به تمام پرسش‌های مربوط به حوزه زندگی فردی و اجتماعی پاسخ داده است. دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و قوانین رفتاری است که خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین کرده است. در واقع دین مصنوع و مجعول الهی است به این معنا که همه دین از طرف ذات اقدس الهی است (بزمی حاجی خواجه لو و طاهری، ۱۴۰۰: ۵۲).

۲.۶. امامت

جریان فکری تشیع (امامت) با اهتمام ائمه (ع) به تغذیه فکری شیعیان و طرح مباحث جدی فکری در آموزه‌هایشان و ظهور چهره‌های مهم میان اصحاب امامان، مانند هشام بن حکم که هریک تحت آموزش و تربیت ائمه به عنوان نظریه پرداز و صاحب سبک در مباحث کلامی مطرح گردیدند به سرعت قالب یک مذهب و مکتب فکری به خود گرفت. امامت موضوع بزرگ‌ترین اختلاف در امت اسلامی بود که در هیچ مسئله‌ای در تاریخ اسلام تا این اندازه، زمینه منازعات و درگیری‌های کلامی فراهم نشده است. اصلی‌ترین مسئله در امامت و جانشینی پیامبر (ص)، پذیرش انتصابی بودن امام از جانب خدا (نظریه امامت مخصوص) یا واگذاری مسؤلیت تعیین امام به مردم در مقابل نصب الهی و اعم از انتخاب آزاد و بیعت عمومی، اعمال نظر اهل حل و عقد، انتخاب شورایی، وصیت امام قبلی و یا قیام به سیف بوده است. همواره معنای عام و رایج امامت میان عموم مسلمین که بیشتر جنبه‌های دنیایی و حکومتی دارد، مدنظر بوده است، نه امامت به مفهوم و اصطلاح خاص آن نزد شیعه که جامع امور دین و دنیا است (فرهمنند پور، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۷۳).

۳.۶. خلافت

محمد رشیدرضا^۱ خلافت را مظهر پیوستگی دین و دولت در اسلام می‌داند. وی بر شرعی بودن اساس حکومت در اسلام به ویژه در سنت پیامبر (ص) و اجماع مسلمین تأکید داشت و خلافت را تنها شکل حکومت شرعی برای مسلمانان در نظر می‌گرفت. رشیدرضا با تعریفی که از خلافت ارائه می‌دهد، امامت عظمی و امامت مؤمنین را به یک معنا می‌گیرد که در واقع، همان ریاست حکومت

اسلامی برای مصالح دین و دنیای مومنین است. امامت همان ریاست عامه و جانشینی پیامبر در امور دین و دنیا و ادامه دهنده‌ی آن است. بنابراین از نظر رشیدرضا نصب امام یعنی ولایت او برای امت شرعاً و نه عقلاً واجب می‌باشد. بحث رشیدرضا در باب خلافت با توجه به رساله‌ی الخلافه‌ی الامامه العظمی به سه رویکرد قابل تقسیم است: اول با بررسی بنیادهای نظریه‌ی خلافت که بر اساس ادله‌ی سمعی یا شرعی خلافت را توجیه می‌نماید. دوم مباحثی که مشکلات عملی برای تشکیل حکومت اسلامی را مطرح میکند که از جمله‌ی آنها، یافتن فرد مناسب برای مقام خلافت یا مکان و شهری قابل قبول با موقعیت استراتژیک است. سوم دیدگاه خود را درباره‌ی شکوفایی کشور اسلامی ترسیم میکند. این طرح متکی بر اهل حل و عقد یا نمایندگان مسلمانان است که خلیفه را انتخاب می‌نمایند (خانمحمدی و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۷).

۴.۶. حکمرانی

مفهوم حکمرانی به اندازه‌ی تمدن بشری قدمت دارد و بسته به سطح آن (ملی، منطقه‌ای و محلی) مجموعه‌ای از بازیگران رسمی و غیر رسمی را در بر می‌گیرد که بر جریان تصمیم‌گیری تأثیرگذارند. حکمرانی را می‌توان نفوذ هدایت شده در فرایندهای اجتماعی تعریف کرد که سازوکارهای مختلف و پیچیده‌ای در آن درگیر هستند و فقط از بازیگران بخش دولتی سرچشمه نمی‌گیرند. هر نظام سیاسی، ناگزیر از تحکیم اقتدار ملی خود است و آن را از نیازهای اولیه و مهم و اساسی خود میداند، اما کشورها به تحکیم اقتدار ملی بسنده نمی‌کنند و افزون بر تحکیم، توسعه‌ی این اقتدار را نیز سرلوحه‌ی هدف‌های خود دارند (زارعی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰۸). پدیده حکمرانی به معنای شیوه‌ی جدید از حکومت و نه جایگزین حکومت، از مباحث جدیدی است که در دو دهه پایانی قرن بیستم وارد ادبیات علوم اجتماعی شد و با پذیرش گسترده مواجه شد. واضعان حکمرانی پیش از هر چیز بر تمرکززدایی از قدرت (درمعنای سنتی و ستفالیایی)، محدود نمودن قدرت سنتی سلسله مراتبی (بالا-پائین) و تغییر مسیر آن به سوی تصمیم‌های جمعی و اتکای روزافزون بر انواع جدید مشاوره و مشارکت شهروندان، متمرکز هستند (باقری، ۱۴۰۱: ۷۰).

۵.۶. شیوه‌ی حکمرانی اسلامی

حکمرانی و حکمرانی اسلامی واژه‌های جدیدی هستند که در توسعه مدیریت و نهادهای مالی مورد توجه قرار گرفته‌اند. مؤلفه‌هایی نظیر مسئولیت‌پذیری، قانونمندی، شفافیت، اثربخشی و کارایی از ارکان حکمرانی اسلامی می‌توانند در نظر گرفته شوند. حکمرانی اسلامی از نظر برخی متخصصین شامل دادگستری، حفظ قانون، دفاع از جامعه، چشم‌پوشی از جاه‌طلبی، عدالت و احسان هست که

توجه به این موارد در نهادهای مالی سبب برقراری حکمرانی اسلامی می‌شود(ثابت و دیگران ، ۱۴۰۱ : ۶۶). در عصر جدید که ساختار نظام بین المللی برآمده از نظم وستفالی به سبب انگیزه هایی چون افزایش تجارت، نیل به منافع رفاهی، افزایش قدرت چانه زنی در مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تأمین ملاحظات امنیتی، جای خود را به ساختارهای منطقه ای، فرامنطقه ای و جهانی می دهد، تأکید بر سرزمینهای اسلامی منفک از هم و در قالب دولت - ملت، افزون بر ناسازگاری با مبانی دینی، منافع دولت ملتهای اسلامی را بر نمی تابد و کم تحرکی در هم افزایی، همگرایی و نظام سازی میان کشورهای مسلمان، زمینه استحاله آنان را در نظم نوین جهانی فراهم می سازد. مفروض بسیاری از مطالعات معطوف به جهانی شدن، ورود همه کشورهای به دوران جدید و قرائت دوباره از مفاهیم نظم وستفالی و نظام بین المللی دولت محور است (طباطبایی و حشمتی ، ۱۴۰۱ : ۸۰). اندیشه حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب ، تسلط بر محیط و کاهش عدم اطمینان ، بنیان شکل گیری علوم ، تلاش انسانها ، جوامع و نظام های سیاسی در طول تاریخ بوده است . همانطور که فردریگز^۱ دانشمند مشهور توسعه بیان داشته است: چشم انداز وضعیت مطلوب در نگاه انسانها و نظام های سیاسی بسیار متنوع و گسترده است (جاسبی و نفری ، ۱۳۸۸ : ۸۶).

جدول ۲ - شاخص های حکمرانی مطلوب اسلامی از دیدگاه حضرت ایت الله خامنه ای^۲.

ویژگی های حکمران	دستاورد های فعلی	شرایط حکمران	مسیر حرکت
استقرار توحید در جامعه - در نظر گرفتن تقوا - رعایت اخلاق انسانی و دوری از تبعیض - تقویت بنیه دفاعی - محوریت مردم - حرکت جهادی - باور عمومی به توانایی های بومی .	قطع وابستگی و دستیابی به استقلال - حاکمیت دین - حاکمیت مردم و استقرار حکومت مردم سالارینی دینی - احیای عزت - پیشرفت متعالی و همه جانبه - دستیابی به عدالت - تأمین آزادی - هویت بخشی به ملت‌های مسلمان.	تلاش برای سعادت مردم - لگام زدن به نفس طغیانگر - دوری از شهوات دنیوی - رعایت حقوق ملت.	پیشرفت در علم - توجه به اقتصاد - ترویج سبک زندگی اسلامی تحقق کامل حکمرانی متعالی اسلامی

1. Fered Reigez

۲. ترسیم نگارنده ، منبع : - پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری به نشانی : www.khamenei.ir

۷. چهارچوب نظری

در تعریف پارسونز از قدرت وجود تعهدات الزام آور، مشروعیت را به‌عنوان مقوم قدرت مطرح می‌کند. طبعاً او کسی را قدرتمند می‌شناسد که توانسته با استفاده از نفوذ خود و تأثیر بر وجدان طرف مقابل و ایجاد انگیزه در او البته در شرایط خاص استفاده از ضمانتهای اجرایی منفی یعنی زور، او را به مشروعیت خود متقاعد کرده، تحت تأثیر اقتدار خود قرار دهد. وی به جای تعریف قدرت به توانایی یک طرف بر تحمیل خواست خود به طرف مقابل، آن را به توانایی فراگیر برای اجرای تعهدات الزام‌آور در یک نظام یا سازمان جمعی معرفی می‌کند که با اتکا بر ربط آنها به هدفهای جمعی مشروعیت می‌یابد. بنابراین به نظر او قدرت اساساً از اقتدار ناشی می‌شود. یعنی مشروعیت نهادینه شده‌ای که اساس قدرت را تشکیل می‌دهد، در قالب نهادینه کردن حقوق رهبران در جلب حمایت اعضای اجتماع تعریف می‌شود (فرهمند پور، ۱۳۸۷: ۱۷۵).

کانالهای چهارگانه اعمال قدرت پارسونزی عبارتند از:

- انگیزه: کانال موقعیتی جهت ضمانت اجرایی مثبت یا دادن مزایای مثبت به دیگری که از خواستههای من پیروی کند.
- زور: کانال موقعیتی جهت ضمانت اجرایی منفی یا تهدید تحمیل شرایط نامساعد، اگر دیگری اطاعت نکند.
- نفوذ: کانال نیت ضمانت اجرایی مثبت یا ارائه دلایل موجه برای اینکه چرا دیگری باید اطاعت کند.
- وجدان یا تعهدات اخلاقی: کانال نیت جهت ضمانت اجرایی منفی یا تهدید به اینکه از نظر اخلاقی یا اعتبارات دیگر نادرست است که دیگری اطاعت نکند.

فلذا از نظر پارسونز نه تنها هیچ تلازم معناداری بین برخورداری از قدرت با در اختیار داشتن ابزار اعمال زور و یا توانایی اعمال ضمانتهای اجرایی در مقابل کسانی که از خواست او تخطی می‌کنند وجود ندارد، اساساً توسل به شیوه‌های قاهرانه برای اعمال قدرت میتواند نشان دهنده اساس پوشالی و بی ثبات قدرت فرد باشد. بنابراین می‌توان به خوبی تصور کرد که قدرت باثبات و اساسی در جریان کنشهای اجتماعی گاه نه در اختیار مثل رهبران و صاحبان حاکمیت سیاسی که معمولاً بیشترین ابزار اعمال زور یا ضمانت اجرایی را علیه مخالفان خود دارند که در اختیار کس یا کسانی باشد که به رغم فقدان چنین امکاناتی، بهتر توانسته‌اند مردم را نسبت به مشروعیت و اقتدار

خویش متقاعد سازند و آنان را به تعبیر پارسونز به سپردن (تعهدات الزامآور) وادارند (فرهمند پور ، ۱۳۸۷ : ۱۷۶).

۸. اشتراکات و تمایزات شیوهی حکمرانی اسلامی از دیدگاه مذاهب تشیع و

تسنن

بنا بر اتفاق مذاهب تشیع و تسنن امامت امری مطلق است که حیات مسلمانان نباید هیچ گاه در هیچ عصری از رهبری امام بر طبق کتاب خدا و سنت خالی باشد . آنچه معیار اساسی در نظام امامت - امت (حکومت مطلوب و متعالی اسلامی) در عصر غیبت و مفروض مسلم در همه فرق اسلامی است، ایجاد بستر لازم جهت پیاده سازی هرچه بیشتر شریعت اسلامی است. اینکه در بیان فقیهان از ولایت فقیه به ولایت فقه تعبیر شده است، شاهدی بر این امر است . از دیدگاه برخی از بزرگان موضوع فقه، افعال مکلفان است و خود فقه نیز تئوری زندگی انسان مسلمان از گهواره تا گور. بنابراین، وحدت حقیقی در صورتی عینیت می یابد که در محور فقه بروز و ظهور داشته باشد، در غیر این صورت، وحدت، صوری و ناپایدار خواهد شد (طباطبایی و حشمتی ، ۱۴۰۱ : ۹۳). قوانین و مقررات مشترک اسلامی ریشه ای ترین امری است که ظرفیت حلقه وصل واقع شدن میان کشورهای اسلامی موجود را دارد. از آنجا که امکان دستیابی به قدر مشترک و وجه جامع مقررات اسلامی در قالب فقه تقریب در نظامهای سیاسی موجود نیز امکان پذیر است، به تعبیر قرآن کریم باید به این حبل الله چنگ زد و عمود خیمه فراگیر اسلامی را بر آن بنا نهاد. این احکام باید توسط شورای فقهی مورد قبول دولتهای اسلامی بر محور مسلمات قرآن کریم و مشترکات فقهی مذاهب اسلامی تدوین شود که نیازمند فقه تقریب است. معنای دقیق تقریب این است که ما اول مشترکات را پیدا کنیم و بعد در مشترکات همکاری کنیم (طباطبایی و حشمتی ، ۱۴۰۱ : ۹۸).

فلذا بنابر توضیحات ارائه شده نظریه های شکل گیری دولت اسلامی از دیدگاه مسلمانان به دو رهیافت اصلی اهل تسنن و تشیع قابل تفکیک است:

۱.۸. نظریه های حکومت اسلامی در اندیشهی سیاسی اهل تسنن

اهل تسنن قائل به چهار نظریه اهل حل و عقد، استخلاف، شورا و استیلاء در رابطه با شکل گیری دولت هستند .

الف : اهل حل و عقد : نمایندگان مردم (اهل حل و عقد) پایه ی اصلی دولت اسلامی در دیدگاه رشیدرضا و اهل تسنن به شمار می روند. رشیدرضا با جایگاهی که به اهل حل و عقد می دهد قصد

دارد بحران خلافت در زمان خود را رفع کند. ایشان با اشاره به آیاتی که در آنها به مشاوره توصیه شده است، نتیجه می‌گیرد که حکومت در اسلام با ملت است و کارها با شورا اداره می‌شود. وی در تفسیر (اولی الامر) در آیه‌ی شریفه‌ی (یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) معتقد است آیه شامل اهل حل و عقد و دانایان به امور جامعه است. تفسیر رازی تحقیقاً به این نتیجه می‌رسد که اولی الامر همان اهل حل و عقد هستند که نماد قدرت امت می‌باشند. ایشان اهمیت خاصی به اهل حل و عقد داده و آن را اهل شورا و مصداق اولی الامر دانسته است. به نظر او امامت با بیعت اهل حل و عقد محقق می‌شود (خانمحمدی و جعفری، ۱۳۹۵: ۵۲).

ب: استخلاف: محمد رشیدرضا خلافت را مظهر پیوستگی دین و دولت در اسلام می‌دانست. او بر شرعی بودن اساس حکومت در اسلام، به ویژه در سنت پیامبر(ص) و اجماع مسلمین تأکید داشت و خلافت را تنها شکل حکومت شرعی برای مسلمانان در نظر می‌گرفت و تحقق همه‌ی آرمانهای این جهانی اسلام را به آن وابسته می‌دید. در نظر رشیدرضا خلافت دارای مراتبی است که با شرایط مختلف قابل تطبیق بوده و به سه صورت قابل تصور است: خلافت آرمانی (خلفاء راشدین)، خلافت امامه‌الضروره و التغلب بالقوه (استبداد). نوع نخست از این تقسیم بندی، یعنی خلافت آرمانی همان شکلی است که به اتفاق اکثر مسلمانان اهل تسنن فقط در عهد خلفای راشدین و چند خلیفه‌ی پارسا نظیر عمر بن عبدالعزیز و یزید بن ولید اموی جاری بوده است. در دو نوع دیگر، امامه‌الضروره از آن روی باید پذیرفته شود که شق دیگر آن، قبول هرج و مرج است. اطاعت از امامت استبدادی نیز به طریق اولی از روی ناچاری است و حکم اکل میته به هنگام ضرورت را دارد که گفته اند الضرورات تبیح المحضورات (همان: ۴۷).

ج: شورا: اهل سنت به دلیل عدم اعتقاد به انتصابی بودن امام معصوم بعد از پیامبر و برای شرعی جلوه دادن حکومتهای بعد از رسول خدا، شورا و انتخاب شورایی را تنها یا یکی از مهم‌ترین مصادر مشروعیت حاکم پس از پیامبر میدانند. در نظریات جدید اهل سنت علاوه بر اینکه شورا را مصدر مشروعیت حاکم میدانند، رجوع حاکم به شورا برای اداره‌ی کشور را نیز واجب دانسته‌اند. در مورد اهمیت شورا رشیدرضا بر این باور است که دو آیه‌ی (أمرهم شوری بینهم) و (و شاورهم فی الامر) مشورت را لازم و واجب میدارد. لذا امام میتواند در هر موردی که نصی از خدا و رسول خدا وجود ندارد و اجماع صحیحی بر آن موجود نیست، اقدام به مشورت نماید. از مصادیق بارز مشورت در این آیات: امور سیاسی، امور جنگی، مصالح عمومی و همچنین راههای تنفیذ نصوص هستند (همان: ۵۰).

د: استیلاء: در اندیشه‌ی رشیدرضا رئیس دولت یا خلیفه به‌عنوان رهبر همه‌ی مسلمانان اعم از شیعه‌ی اثنی عشری، زیدی و چهار مذهب اهل سنت است. ولی هیچ‌گاه درصدد از میان برداشتن

تفاوتها و یکسان کردن معتقدات با تکیه بر عنصر زور و اجبار بر نمی آید. وی معتقد است تا آنجا باید از خلیفه اطاعت کرد که تصمیم گیری هایش با اصول اسلام موافق بوده و مفید حال مسلمانان باشد. رشیدرضا درباره ی وظایف ضروری خلیفه دیدگاه روشنی دارد و آشکارا بیان میکند که امر خلافت به هیچ وجه فرمانروایی نیست، بلکه قانونگذاری و نظارت بر اجرای آن است. خلیفه باید مجتهد باشد؛ مردی دانا و صاحب مهارتهای خاص باشد که وی را قادرسازد با کمک علما، اصول اسلام را بر احتیاجات جهان متغیر تطبیق داده و نتایج آن را در حکومتهای مسلمان پیاده کند (همان).

۸ . ۲ . نظریه های حکومت اسلامی در اندیشه‌ی سیاسی تشیع: در تفکر شیعی می توان نظریه های دولت را ذیل دو دوره حضور معصوم (ع) و دوره غیبت معصوم صورتبندی کرد.

الف: امامت : به مثابه نظریه حکومت در عصر حضور معصومین (ع)، شیعیان امامت را از ارکان اعتقادی اسلام می دانند و عقیده دارند که خداوند امامان معصوم (ع) را برای اداره نظام سیاسی و هدایت جامعه اسلامی بعد از پیامبر (ص) برگزیده است.

ب : ولایت فقها : به مثابه نظریه حکومت در عصر غیبت معصوم (ع)، شیعیان معتقدند در عصر غیبت که امام معصوم و خلیفه خدا بنابر مصالحی در پرده غیبت به سر می برند؛ مأموریت های دین یعنی تبیین، تفسیر و اجرای احکام الهی، رهبری جامعه اسلامی و قضاوت معطل نمانده و لاجرم کارشناسان دین، اجرای این وظایف خطیر را به نیابت از امام متعهد می شوند .

فلذا در دوران غیبت امام معصوم (ع) در تفکر شیعی دو رهیافت کلی در رابطه با ولایت فقهاء قابل پیگیری است:

الف : نظریه انتخاب: نظریه انتخاب که عمدتاً پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است . مهم ترین نظریه در مقابل نظریه انتصاب قرار دارد. مبنای مشروعیت در این نظریه الهی- مردمی قلمداد می شود. در این نگاه فقیه تنها در محدوده قانون اساسی و قراردادی که با مردم بسته موظف به اعمال قدرت و حکومت است .

ب : نظریه انتصاب: شیعه با استناد به اصل امامت معصوم اعتقاد دارد که تنها حاکمی که از طرف خداوند به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی برگزیده باشد دارای مشروعیت است. نقش مردم در این نظریه در حد پذیرش ولایت فقها و فعلیت دادن و کارآمد کردن ولایت و حکومت آن هاست و مردم عنصر مشروعیت بخش به حساب نمی آیند (بزمی حاجی خواجه لو و طاهری ، ۱۴۰۰ : ۵۴).

۹. شیوه‌ی حکمرانی مطلوب (خوب) برای رسیدن به حکومت متعالی اسلامی از دیدگاه دو اندیشه‌ی تسنن و تشیع

اندیشه‌ی دینی - سیاسی تسنن معتقد است که خداوند (صحابه) را برای حفظ رسالت و تبلیغ آن بعد از رحلت پیامبر(ص) و نیز حفظ میراث سیاسی آن حضرت برگزیده است. صحابه در نظر اهل سنت در بالاترین درجه از اصلاح و تقوا هستند و نقد و تردید در کردار آنها و نقل قولهایی که از پیامبر(ص) دارند، به هیچ وجه روا نیست. از چشم انداز فکری رشیدرضا، عالی ترین نمونه‌ی دولت اسلامی خلافت خلفاء راشدین است. بسیاری از اهل سنت خلفاء راشدین را افضل مسلمانان می دانند که ترتیب فضلشان به ترتیب رهبری و حکومت است. در نقطه‌ی مقابل اندیشه‌ی تشیع است که بر پایه‌ی دو اصل (امامت) و (عدالت) بنا شده است. اعتقاد به اندیشه‌ی امامت، محوری ترین نقش را در تفکر سیاسی اجتماعی شیعیان ایفا میکند. بنیاد فکری شیعه بر مبنای خاصی استوار است که بر اساس آن شیعه منصب امامت را همچون نبوت، تداوم یافته‌ی آن میدانند. برپایه‌ی این بنیاد معرفت شناسانه، شیعیان ویژگیهای امام را برمی شمردند که مهم‌ترین آنها عبارت است از: تأکید بر نص در انتخاب امام، دارا بودن علم لدنی و همچنین دور بودن از خطا و گناه که عصمت نامیده می‌شود، تا بتوانند رسالت خود را در تداوم لطف خداوند انجام دهند. (خان محمدی و جعفری، ۱۳۹۵: ۵۷). لذا با بررسی تحلیلی دو نظریه‌ی دینی - سیاسی اسلام یعنی تشیع و تسنن پی می‌بریم که، اختلاف دیدگاهی شیعه و اهل سنت در چگونگی تأسیس حکومت و ارائه‌ی الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی، بیش از آنکه ریشه در مبانی فقهی و شیوه‌ی اجتهاد آنان داشته باشد، ریشه در رویکردهای کلامی - عملی دارد. هرچند گاهی از دیدگاه‌های فقهی نیز متأثر بوده است اما این اختلاف در اصل ضرورت حکومت اسلامی دیده نمی‌شود. چه عالمان سنی و چه دانشمندان شیعه معتقدند جامعه بشری به حکومت اسلامی نیاز دارد. این بحث نظری در میان اهل سنت از دیرباز بیشتر بر خوردار است. از آن رو که حکومت گری آنان مقتضی چنین مطالعاتی بوده است. ماوردی آغازگر این بحث به صورت گسترده بوده است (دارا و علیزاده، ۱۳۹۷: ۱۴).

۱۰. دیدگاه اندیشه‌ی دینی - سیاسی تشیع در باب حکمرانی اسلامی (ولایت فقیه)

پایه‌های استدلالی تشیع در امر حکمرانی اسلامی بر اساس مبانی کلامی شکل گرفته است. مبانی کلامی یعنی آن دسته از مبانی اعتقادی - دینی که از طریق استدلال پذیرفته می‌شود. مباحثی همچون توحید، معاد، نبوت، عدل، بحث انتظار از دین و یا باورهایی است که در اندیشه‌ی سیاسی متفکران تأثیر به سزایی دارد. ولایت فقیه استمرار و تداوم ولایت رهبری الهی پیامبر و ائمه‌ی معصومین(ع) برای اجرای احکام و فرامین الهی جهت حفظ نظام اجتماعی بشر و وجوب هدایت

جوامع انسانی در عصر غیبت است. وظیفه مردم نیز در قبال آن علاوه بر عمل به فرامین ولی فقیه حاکم، داشتن اعتماد و اعتقاد قلبی به ولایت او هست (خان محمدی و جعفری ، ۱۳۹۵ : ۵۳). برای تعیین مصداق ولی فقیه در رویکرد کلامی شیعه در زمان غیبت، باید به انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم مردم مراجعه کرد و این مراجعه به آراء مردم به معنای مشروعیت بخشی به این منصب نیست؛ بلکه به معنای لزوم تحقق خارجی آن توسط مردم هست . لذا بر فقیه منتخب مردم به لحاظ اقبال عمومی به او و مشروعیت بخشی به حاکمیتش واجب شرعی است که حکومت را بپذیرد، آنگونه که نماز و روزه و دیگر واجبات دینی را به جای می آورد. لذا بنابر این توضیحات، اولاً: ولایت فقیه در طول ولایت امام معصوم و به نیابت از اوست و ولی فقیه جامع الشرایط، تالی تلو معصوم و حجت او بر مردم است: (فأنهم حجتی علیکم و انا حجة الله). از این رو مشروعیت منصب ولایت برای فقیه و صلاحیت نیابت او از سوی امام معصوم، اوصاف ویژه ای هست که در شرع اسلام برای ولی امر تعیین گردیده و تشخیص آن و تولی و قبول ولایت او به عهده ی مردم نهاده شده است. ثانیاً: عزل و نصب فقیه نیز به دست مردم و یا نمایندگان آنان نمی‌باشد. وظیفه ی مردم تشخیص و کشف صلاحیت و سپس بیعت و اظهار فرمانبری و تبعیت و در صورت کشف خلاف، مخالفت و نقض بیعت است. ثالثاً: برای اثبات تمامی اختیارات و شئون ولایت تشریحی امام معصوم برای ولی فقیه، نیازی به دلیل مستقل نیست؛ زیرا عقلاً در زمینه ی مدیریت و رهبری ظاهری جامعه و سرپرستی آن، فرقی بین امام معصوم و فقیه جامع الشرایط نمی‌باشد. رابعاً: از آنجایی که موضوع ولایت فقیه در طول بحث امامت قرار گرفته است، بنابراین، از اصول دین و باورهای کلامی امامیه و غیر تقلیدی خواهد بود و نظر فقها، تنها در فروع تولی و تبعیت می‌تواند نقش داشته باشد (خان محمدی و جعفری ، ۱۳۹۵ : ۵۳).

۱.۱۰ حکمرانی اسلامی به شیوه ی امامت مخصوص

رهبری اساسی ترین محور شکل‌گیری یک تشکیلات و شاخصه تحقق آن است و رهبر، محور انسجام گروه و تعیین کننده خطوط اصلی حرکت افراد هست و اطاعت از او القا کننده روح توافق جمعی به شمار می رود. با وجود آنکه عرب عصر جاهلی، فاقد شکل کاملی از حکومت، انضباط سیاسی و قانون گذاری و قانون مندی متمرکز و متناسب با ساختارهای رشد یافته اجتماعی بود، در همان ساختار و بستر اجتماعی قبیله، (رهبری) اصل قاطع، شناخته شده و دارای اساسی ترین نقش در حفظ انسجام اجتماعی آنان شمرده می‌شد. انتخاب رئیس معمولاً برعهده گروهی از برجستگان قبیله انجام می گرفت و شخصی کهنسال و واجد شرافت خاندانی، برجستگی اقتصادی و فضائل اخلاقی در قالب نظام فرهنگی عصر جاهلی برگزیده می‌شد. هنگام ظهور اسلام و ادعای نبوت و رهبری دینی و سپس زمامداری سیاسی از جانب پیامبر، اندیشه اجتماعی عرب در مقابل اصل

پذیرش رهبری مشکلی نداشت. برخلاف پذیرش برخی از احکام اسلام، مثل وجوب نماز و سجده، یا حرمت شراب و زنا که اساساً مقاومت اعراب را برمی‌انگیخت. اگر هم مخالفتی وجود داشت، ناشی از مقاومت در برابر پذیرش یک جوان هاشمی با سابقه یتیمی و فقر بود که گذشته از جایگاه معنوی شناخته شده خود و تبارش، فاقد قدرت اقتصادی و اقتدار اجتماعی در آن جامعه بود و از بسیاری از چهره‌های سرشناس قریش آن روز، جوان تر به حساب می‌آمد. مهم تر آنکه عرب به ساختار قبیله‌ای خو کرده بود و تمرکز رهبری در قالبی فراقبیله‌ای را بر نمی‌تافت. لذا نظریه امامت مخصوص کسی با اختیاراتی گسترده در حوزه دین و دنیا و مناسبات مادی و معنوی که نه بر اساس مصلحت سنجی‌های اهل حل و عقد یا سلیقه‌های عمومی یا منطق متعارف اجتماعی، که بر اساس گزینش الهی و صدور نصی قاطع، انتخاب و معرفی می‌شد. پس از آنکه امامان با ارائه نشانه‌ها و اثبات قابلیت‌های خود توانستند این جایگاه را تثبیت کنند و با تأکید بر ارتباط نسبی آنها با پیامبر و وراثت معنوی او طرحی برای رهبری دینی به شیعیان عرضه شد که با رهبری سیاسی دینی پذیرفته شده در میان اکثریت جامعه آن روز بسیار متفاوت بود. روشن است که با چنین تبیین و تعریفی از امام و جایگاه او، تعیین وی تنها باید به نص الهی و انتخاب خدا و نه انتخاب سلیقه‌ای مردم انجام گیرد و لذا در موارد بسیاری بر مخصوص بودن امامت با در نظر گرفتن این اوصاف تأکید شده است. قابل توجه است که به خصوص در نیمه دوم عصر حضور، با وفات هر امام، شیعیان، عموم مردم، چهره‌های سیاسی و... به دنبال شناسایی امام مخصوص بعدی بودند و اصل مسئله لزوم وجود نص برای احراز امامت شخص مدعی کاملاً پذیرفته و قطعی تلقی می‌شده است و این امر نشان دهنده توفیق حرکت ائمه(ع) در توسعه باور عمومی به این نظریه است. وقتی برادر امام رضا(ع) مدعی جانشینی او شد، فقهای امامیه به استناد جمله امام باقر(ع) و امام صادق(ع)، ادعای او را رد کردند: (لا یجتمع الامامه فی اخوین بعد الحسن و الحسین) (فرهمند پور، ۱۳۸۷: ۱۸۰ - ۱۸۷).

۲.۱۰. ولایت مطلقه فقیه

ولایت منحصر به بیان احکام و قضاوت و داوری نیست، بلکه حکومت را نیز دربرمی‌گیرد. تشیع هنگامی که ولایت فقیه را مطرح می‌کنند، دامنه‌ی آن را گسترده تر دانسته و آن را در ارتباط با شئون عامه و مصالح عمومی امت می‌دانند، بدین معنا که فقیه شایسته که بار تحمل مسئولیت زعامت را بر دوش می‌گیرد، در تمام ابعاد سیاست مداری مسئولیت دارد و در راه تأمین مصالح امت در تمامی ابعاد آن میکوشد. واژه‌ی (مطلقه) در اندیشه‌ی تشیع، مشترک لفظی است. یعنی میتواند مطلق معادل استبداد باشد؛ که البته این تعبیر به صراحت تمام در اندیشه‌ی ایشان رد

شده است. بنابراین اگر یک معنای ولایت مطلقه، حکومت بی حد و حصر فرد یا گروهی بر مردم باشد، ولایت مطلقه ای که امام از آن دفاع میکند نیست. لذا اینکه مطلقه در مقابل مقیده باشد که از موضع فقهی، در مورد محدوده ی خاصی از اختیارات حکومت اسلامی محسوب می‌شود. به سخن دیگر، امام خمینی این واژه را در مقابل کسانی که معتقد بودند حکومت اسلامی در محدوده ی احکام فرعی دارای اختیار است مطرح کرده اند. ایشان این تفسیر را رد کرده و اعلام کردند اختیارات فقیه محدود به احکام مذکور نیست بلکه مطلقه است. پس مطلقه بودن اختیارات حکومت بر اساس مصالح و در حوزه ی عمومی مصداق می یابد و حکومت اسلامی در شرایط مضطر با لحاظ کردن مصالح به صورت مقطعی فراتر از قوانین موجود در کشور عمل کند (خانمحمدی و جعفری ، ۱۳۹۵ : ۵۵).

۱۱. حکمرانی اسلامی و حکومت متعالی اسلامی (نظام امامت - امت)

بایستی خاطر نشان کرد که دو نظام امامت - امت و دولت - ملت در وجود عناصری؛ مانند حکومت، حاکمیت و وجود قلمرو، مشترک اند و عمده تفاوت این دو نظام در عنصر تشکیل دهنده جمعیت آنهاست؛ یعنی ملت و امت. ملت یک واحد بزرگ انسانی است که یک فرهنگ و آگاهی مشترک عامل پیوند آن است. از این پیوند است که احساس تعلق به یکدیگر و احساس وحدت میان افراد متعلق به آن واحد پدید می آید. ملت پدیده ای است که محصول تحول و تطور تاریخی مغرب زمین است؛ بیشتر پژوهش گران، پیدایش آن را از تکوین بورژوازی و شکافتن پوسته فدرالیسم، در نتیجه انقلاب صنعتی میدانند که سمبل حقوقی آن قرارداد وستفالیاست. از تفاوت‌های بنیادین نظام سیاسی اسلام با مکاتب سیاسی و حقوقی امروزی، مرزبندی موجود میان ملت و امت است. امت به مجموعه ای از انسانها اطلاق می‌گردد که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم آورده باشد. مرز میان امتهای مرزی عقیدتی است. همه اشخاصی که بر محور توحید، نبوت و معاد متمرکز گشته اند، امت واحده اسلامی را تشکیل میدهند (طباطبایی و حشمتی ، ۱۴۰۱ : ۸۴-۸۲). دین اسلام به عنوان مترقی ترین مکتب الهی که حاصل پردازش و توسعه ادیان مکاتب الهی از ابتدا تا عصر خاتمیت است، دارای اهداف عالی و غایات متعالی است. به تصریح قرآن کریم هدف خداوند از خلقت انسان، عبادت و بندگی و در نتیجه تقرب به آستان حق تعالی، یعنی منشا و مبدا کمال و زیبایی و قدرت مطلق است. پس تمام رفتارهای عناصر انسانی در جامعه مورد نظر اسلام، اعم از فرد و جامعه، باید در جهت نیل به این هدف باشد. از این رو هدف غایی در سبک زندگی اسلامی، تقرب انسان خاکی به عالم ملکوت است. در این دیدگاه، دنیا ابزاری برای رشد و تعالی انسان هست (رجبی ده برزویی و بیدگلی ، ۱۴۰۱ : ۱۱۹). مردم و حکومت متعالی اسلامی (نظام امامت - امت) ضمن بهره گیری از عقل و اختیار، باید با پذیرش

اصل توحید و اطاعت از قوانین الهی، قرآن، رسول الله و جانشینان وی و فقه‌های جامع شرایط، از سقوط و انحطاط دور مانده و راه کمال و پیشرفت را در پیش بگیرند؛ چون انسان دارای نقص است و در نتیجه، حکومت برآمده از انسانها نیز بدون توجه به قانون الهی ناقص است و هم نظام نمیتواند جامعه را به سرمنزل مقصود و به سعادت رهنمون کند. هم مردم و هم حکومت و حاکم در یک جامعه مطلوب باید بر محور جهان بینی الهی و توحید و امامت حرکت نمایند و با گردن نهادن به اوامر الهی، صراط مستقیم را پیموده و به سعادت و کمال برسند) زارعی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۳). هدف اصلی حکومت متعالی اسلامی (نظام امامت - امت) فراهم ساختن مقدمات تشکیل جامعه اسلامی است. جامعه برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه جانبه و جامعه‌ای بدون سکون، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ در واقع حاصل تشکیل حکومت متعالی اسلامی است. نظام متعالی اسلامی (نظام امامت - امت)، یک نظام پیش ساخته مثل خانه‌های پیش ساخته نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد. شاکله دولت اسلامی در منظومه فکری اسلامی رسیدگی به ضعیف‌ترین اقشار جامعه، تدبیر امور آینده، بهینه سازی شیوه مصرف درآمدهای عمومی، رعایت پیمان‌های عمومی و خصوصی، رعایت حریم بیت المال و انتقادپذیری برای اصلاح خود و کاربست انتقادات در استمرار یادگیری است. ابعاد حکمت عملی در باره تهذیب نفس، پرورش و تزکیه روح، هبری رانسان می‌دهد (حاجی خواجه لو و طاهری، ۱۴۰۰: ۶۴). از جلوه‌های بارز حکومت متعالیرشد اخلاق، تدبیر منزل، کیفیت بهتر اداره کردن امور خانوادگی، کیفیت پرورش افراد و تربیت اولاد، اداره جامعه، سیاست کشورهای اسلامی و مناطقی که بشر در آن به سر می‌برد، بحث میکند) زارعی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

جدول ۳ - بررسی مقایسه‌ی دیدگاه امام خمینی (ره) و سید قطب در ارائه‌ی الگوی حکمرانی مطلوب (شیعه - سنی)^۱

سید قطب	امام خمینی (ره)	ویژگی‌های حکمرانی مطلوب	
- نفی حکومت مصر - ضروری بودن حکومت - حاکمیت الله - برپایی احکام الهی	- نفی رژیم طاغوت - ضروری بودن حکومت - حکومت الله - برپایی احکام الهی، عدالت، حکومت قانون	- نفی حکومت طاغوت - ضرورت تشکیل حکومت - الهی بودن حکومت - کارکردهای حکومت	اشتراکات
- مشخص نیست	- مدل ولایت فقیه	- شکل حکومت	تمایزات

- شیوه شورایی - تاکید بر نقش مشورتی - تاکید بر سلفی گری	- انتصابی - خبرگانی (هم در انتصاب و هم در اجرا) - تاکید بر عقل و حکمت - احکام اسلامی	- شیوه انتخاب حاکم - نقش مردم در مشروعیت حکومت - قاعده حکمرانی	
--	--	---	--

۱۲. نتیجه گیری

حکمرانی خوب برای رسیدن به حکومت متعالی اسلامی (نظام امامت - امت) گفتمان جدیدی است که با مؤلفه هایی مانند قانونمندی، مشارکت، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف میشود که در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته است. برای تحلیل و ارزیابی حکمرانی اسلامی خوب باید به تحلیل روابط بین آنچه که انجام میدهیم (فعالیتهای، تصمیمات و تمهیدات) و آنچه که میخواهیم بشویم یا به دست آوریم (اهداف و ارزشها) بپردازیم. در واقع حکمرانی خوب مستلزم یافتن ابزارهای مرتبط و متناسب با ارزشهاست. بنابر این باید بدنبال ویژگیهایی بود که هم تبیین کننده منابع و فرایندها باشد و هم در بردارنده نتیجه و اثر . حکمرانی خوب وسیله ای است برای دست یافتن به یک یا چند هدف مطلوب. شاخصهای اندازه گیری حکمرانی خوب بوسیله تعیین ابزارهای مناسب و نتایج مطلوب شناخته میشوند. در حکومت اسلامی رهبر ولی است و حق ولایت دارد و دیگر کارگزاران حکومتی و سایر مدیران از رئیس جمهور و نخست وزیر تا نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سایر نمایندگانی که منتخب آرای مردمی هستند، وکیل مردم بوده و حق وکالت داشته و تنها این وکالت ریشه مقبولیت دارد. مقبولیت مردمی و مشروعیت الهی به عنوان دو بال پرواز، حکمرانی متعالی هستند که باعث تقویت و ارتقای اقتدار ملی کشورها می گردد. حکومت اسلامی باید انتقادهای را تحمل و از آن استقبال کند. انتقادهای دولت و عملکردهای آن باعث رشد و بالندگی کارآمدی دولت خواهد بود. لذا نهایتاً با بررسی اجمالی دو اندیشه سیاسی - دینی تشیع و تسنن در می یابیم که ، شکل گیری قالب های کلامی و نظریه امامت از یک سو و توسعه و تعمیق اقتدار ائمه به عنوان رهبران یک سازمان و تشکیلات مقتدر سیاسی از سوی دیگر، نظریه امامت در عرصه اندیشه و کلام شیعه موجب توسعه اقتدار و نفوذ ائمه در میان شیعیان و در نتیجه توسعه قدرت آنان در عرصه مناسبات سیاسی و اجتماعی روزگارشان گردیده است. تشکیل و تقویت سازمان سیاسی شیعه که محصول تدریجی بیش از دو سده حضور ائمه در میان شیعیان بوده برآیند این دو جریان است که یکی (توسعه قدرت سیاسی) از دیگری (شکل گیری نظریه کلامی) تأثیر پذیرفته است.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. باقری، عبد الرضا (۱۴۰۱)، نقش شورای عالی امنیت ملی در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان، سال بیست و پنجم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۹۸.
۳. برومند، احمد و داوری، حامد و اخوان، امیر ناصر (۱۳۹۶)، آینده پژوهی خدمات فرهنگی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی استان قدس رضوی، فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، پاییز، شماره ۱۱۰.
۴. بزمی حاجی خواجه لو، علی و طاهری، عباس (۱۴۰۰)، مبانی دولت اسلامی - ایرانی در اندیشه امام خامنه ای، فصلنامه حکمرانی متعالی، بهار، شماره پنجم.
۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری به نشانی: www.khamenei.ir
۶. ثابت، عظیم و وجدالله، قربانی زاده و ودادی، احمد (۱۴۰۱)، مدل ساختاری و ریسک های منابع انسانی در نهادهای مالی بازار سرمایه در حکمرانی اسلامی، فصلنامه رهیافت های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، زمستان، شماره هشتم.
۷. جاسبی، جواد و نفری، ندا (۱۳۸۸)، طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، زمستان، سال چهارم، شماره ۱۶.
۸. خان محمدی، یوسف و جعفری، سید نادر (۱۳۹۵)، مقایسه دیدگاه امام خمینی و محمد رشید رضا در باب حکومت اسلامی و پیامدهای سیاسی آن، دو فصلنامه علمی پژوهش های سیاست متعالیه، بهار و تابستان، سال چهارم، شماره دوازدهم.
۹. رجیبی ده برزویی، اصغر و بیدگلی، محمد (۱۴۰۱)، واکاوی مؤلفه های سبک زندگی مدیران در حکمرانی اسلامی از دیدگاه امام خامنه ای، فصلنامه رهیافت های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، پاییز، شماره هفتم.
۱۰. زارعی، بهادر و احمدی، سید عباس و عابدی درچه، محسن (۱۴۰۰)، الگو یابی حکمرانی متعالی برای ارتقای اقتدار ملی در حکمرانی های اسلامی، فصلنامه ی حکومت اسلامی، بهار، سال بیست و ششم، شماره اول، پاییز ۹۹.
۱۱. دارا، جلیل و لعل علیزاده، محمد (۱۳۹۷)، الگوی مطلوب حکمرانی از دیدگاه امام خمینی (ره) و سید قطب؛ بررسی تفاوت ها و شباهت ها، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، پاییز و زمستان، سال ششم، شماره دوازدهم.

۱۲. فرهمند پور ، فهیمه (۱۳۸۷) ، باور عمومی شیعیان به اصل امامت و نقش آن در توسعه اقتدار اجتماعی ائمه (ع) ، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی ، زمستان ، سال چهارم ، شماره پانزدهم .

۱۳. طباطبایی ، سید علیرضا و حشمتی ، نرگس (۱۴۰۱) ، چالش ها و فرصت های نظام امامت - امت سایبری ، فصلنامه حکومت اسلامی ، تابستان ، سال بیست و هفتم ، شماره دوم ، پیاپی ۱۰۴ .

۱۴. منتظری ، محمد و بهمنی ، اکبر و فتحی زاده ، علیرضا (۱۳۹۷) ، الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه ؛ گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی ، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی ، بهار و تابستان ، سال ششم ، شماره یازدهم .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی